

# تأثیر رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه بر افزایش درک مطلب یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی

داریوش نوروزی  
مرضیه محمدی

فناوری آموزش و یادگیری

سال اول، شماره یک، زمستان ۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۶

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۸

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه بر افزایش درک مطلب یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی است. بر این اساس نمره‌های آزمون درک مطلب خواندن در گروهی از دانشجویان که روش مبتنی بر وظیفه را تجربه کرده‌اند با نمره‌های گروه دیگر که با روش رایج خواندن و ترجمه آموزش دیده‌اند، مقایسه شده است. شرکت کنندگان شامل ۲۶ نفر از دانشجویان مقطع فوق لیسانس در رشته تکنولوژی آموزشی می‌شود که در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بوده‌اند. پژوهشگر از بین دانشجویان دختر فوق لیسانس در رشته تکنولوژی آموزشی، دو گروه را به طور تصادفی به عنوان گروه آزمایشی (۱۳ نفر) و گروه کنترل (۱۳ نفر) در نظر گرفته است. گروه آزمایش متن آموزشی را بر اساس طرح درس مبتنی بر وظیفه گذراندند و گروه کنترل محتوا را به روش رایج آموزش دیدند. ابزار اندازه‌گیری پیش آزمون و پس آزمون محقق ساخته در زمینه درک مطلب زبان انگلیسی در سطح آموزش عالی بوده است. پایایی هر یک از آزمون‌ها به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۷۲ بوده که بزرگ‌تر از ملاک ۰/۶۰ است. روش تحلیل داده‌های پژوهش بوده که شامل میانگین، انحراف استاندارد، کمترین مقدار و بیشترین مقدار گروه آزمایش و کنترل می‌شود. آزمون معنی‌داری تفاوت بین میانگین‌های دو گروه با استفاده از  $t$  اختلافی نشان داده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که نمره‌های زبان در گروه آزمایش که با روش مبتنی بر وظیفه آموزش دیده‌اند، در مقایسه با نمره‌های زبان در گروه کنترل که به روش رایج خواندن و ترجمه آموزش دیده‌اند، بیشتر است؛ بنابراین روش مبتنی بر وظیفه در آموزش زبان انگلیسی، منجر به افزایش درک مطلب یادگیرندگان این زبان می‌شود.

واژگان کلیدی: یادگیری، وظیفه، درک مطلب، زبان انگلیسی.

## تأثیر رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه بر افزایش درک مطلب یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی<sup>۱</sup>

داریوش نوروزی<sup>۲</sup>  
مرضیه محمدی<sup>۳</sup>

### مقدمه

همه افرادی که در زمینه‌های مختلف علمی به پژوهش و فعالیت مشغول هستند می‌دانند که دانستن زبان خارجی به خصوص مهارت خواندن در زبان انگلیسی برای انجام یک پژوهش معتبر ضروری است. در دانشگاه‌ها فهم متون انگلیسی بسیار اهمیت دارد با این حال برخی از دانشجویان در این مورد ضعیف عمل می‌کنند. آن‌ها در مراجعه به متونی که به زبان انگلیسی است، با مشکلاتی از قبیل درک مطلب ضعیف و ناتوانی در استفاده از محتوای علمی آن‌ها برای تکمیل مطالعات علمی خود مواجه هستند. تحقیقات (دیوید و گاوینداسامی، ۲۰۰۳، اوتلوسوسکی، ۲۰۰۸، ویلاک، ۲۰۰۹، والنسیا و بالی، ۲۰۰۴؛ به نقل از سایدک هریسون، ۲۰۱۲) نشان می‌دهد که در دانشگاه‌هایی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی به کار می‌برند بسیاری از دانشجویان قادر به خواندن و فهم مطالب زبان انگلیسی نیستند. یکی از دلایل ضعف افراد در درک مطلب خواندن، نقص در دایره لغات و دانش پیش‌زمینه مورد نیاز در فهم متون است. در ایران نیز پژوهش‌ها نتایج مشابهی را نشان می‌دهد. فرهادی (۲۰۰۶)؛ به نقل از ایرانمهر، عرفانی، داوری، ۲۰۱۱) بیان می‌کند که فعالیت‌های موجود در کتاب‌های درسی برای «آموزش زبان با اهداف خاص» هیچ حسی از اکتساب مهارت خواندن را در یادگیرندگان ایجاد نمی‌کند. پژوهش حاضر متمرکز بر مطالعات مربوط به «انگلیسی برای اهداف دانشگاهی» و ارتقای مهارت درک مطلب خواندن با استفاده از رویکرد مبتنی بر وظیفه در محیط دانشگاهی است.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه است.

۲. دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (drdnoroozi@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی (marzie.mohamadii@yahoo.com).

این پژوهش در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و درباره دانشجویان رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی در نیم سال دوم تحصیلی ۹۱-۹۲ انجام شده است. پژوهشگر در طی شرکت در کلاس های درسی مختلف این رشته در دوره فوق لیسانس و در ارتباط با دانشجویان در ترم های تحصیلی گذشته به این مطلب پی برده است که برخی از دانشجویان حتی موضوعاتی را برای پژوهش انتخاب می کنند که پیشینه تحقیقی کافی به زبان فارسی داشته باشد تا نیازی به مطالعه متون و مقاله های انگلیسی نباشد. یکی از دلایل آن ها در این رابطه این بوده است که زمان کافی برای ترجمه متون انگلیسی را ندارند. همچنین فهم ساختار زبان برای آن ها مشکل است؛ بنابراین پژوهشگر به مطالعه این مطلب پرداخته است که چه روش های آموزشی و چه راهبردهایی برای درک مطلب وجود دارند که با استفاده از آن ها می توان تا حدی به درک مطلب دانشجویان کمک کرد.

تحقیق در زمینه زبان انگلیسی در سطح آموزش عالی با اصطلاح «انگلیسی برای اهداف دانشگاهی»<sup>۱</sup> شناخته شده است. این اصطلاح رایج ترین شکل پژوهش در زمینه «انگلیسی برای اهداف خاص»<sup>۲</sup> است. «انگلیسی برای اهداف خاص» از دهه شصت میلادی همراه با مطرح شدن انگلیسی به عنوان زبان علم، در تحقیقات مورد توجه بوده است. در محیط دانشگاهی، برای به روز کردن اطلاعات، نیاز به جستجو در منابع علمی بسیاری است که به زبان انگلیسی نوشته شده اند؛ بنابراین تسلط بر زبان انگلیسی و به طور خاص درک مطلب، مهم ترین ابزار برای یادگیری اطلاعات جدید و مهم ترین مهارت در موفقیت فراگیران به حساب می آید. ویژگی درک مطلب خواندن برای اهداف دانشگاهی این است که یادگیرنده برای فهم اطلاعات باید در سطح بالایی از قابلیت های خواندن باشد. این قابلیت ها شامل: نوشتن پاراگراف، خلاصه نویسی، تعمیم دادن، فرضیه سازی و کد گذاری است.

تاکنون در زمینه آموزش زبان انگلیسی رویکردهای بسیاری مطرح شده است. از آن جمله: آموزش مستقیم، شنیداری-زبانی، آموزش دستور، واقع گرایی و ارتباطی. در حال حاضر رویکرد ارتباطی تدریس زبان<sup>۳</sup>، رویکرد غالب در آموزش زبان است که بر اساس تأثیر نظریه

1 english for academic purposes  
2 english for specific purposes  
3 communicative language teaching

یادگیری ساختن گرایی<sup>۱</sup> در آموزش زبان شکل گرفته است. رویکرد ارتباطی در تدریس زبان به یادگیرندگان کمک می کند تا از زبان مقصد در هر جا و در موقعیت های مختلف استفاده کنند و توجه بسیاری بر یادگیری مهارت های چهارگانه زبان (شنیدن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن) دارد. رویکرد ارتباطی خود شامل روش های زیر است: تعاملی<sup>۲</sup>، یادگیرنده محوری<sup>۳</sup>، مشارکتی<sup>۴</sup>، مبتنی بر زمینه<sup>۵</sup>، مبتنی بر وظیفه<sup>۶</sup>، روش ارائه، تمرین، تولید<sup>۷</sup> و برخی روش های دیگر. یادگیری مبتنی بر وظیفه<sup>۸</sup> اکنون یکی از مهم ترین روش ها در تدریس و یادگیری زبان است (نونان<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴) که خود به عنوان یک رویکرد مطرح است. یادگیری مبتنی بر وظیفه عموماً به عنوان «یادگیری از طریق انجام دادن»<sup>۱۰</sup> یا «یادگیری فعال»<sup>۱۱</sup> است که در ارتباط با آموزش و پرورش تعریف می شود، اما دلالت های منحصر به فردی در تدریس زبان انگلیسی و «انگلیسی به عنوان زبان خارجی»<sup>۱۲</sup> دارد.

یادگیری مبتنی بر وظیفه در تدریس زبان، بر اساس نظریه یادگیری ساختن گرایی و اصول تدریس ارتباطی زبان و در پاسخ به رویکرد سنتی ارائه، تمرین و انجام به وجود آمده است؛ بنابراین در این رویکرد، یادگیری زبان فرآیندی رو به رشد است که به جای کسب نتیجه، از طریق تمرین موضوعات زبان، موجب ارتقای ارتباط و تعامل اجتماعی می شود و هنگامی که یادگیرندگان به طور طبیعی در معرض فعالیت های مبتنی بر وظیفه و معنی دار قرار می گیرند، زبان مقصد را مؤثرتر فرامی گیرند. این نگاه به یادگیری زبان که منجر به رشد رویکردهای مبتنی بر وظیفه در دهه هشتاد و در خلال دهه نود میلادی شد، به صورت رویکرد عملی دقیقی در کلاس درس ارتباطی توسعه پیدا کرده است به طوری که یادگیرندگان

- 
- 1 constructivist theory of learning
  - 2 interactive
  - 3 learner-centred
  - 4 cooperative
  - 5 content-based
  - 6 task-based
  - 7 presentation, practice, and performance (PPP)
  - 8 task based learning (TBL)
  - 9 Nunan
  - 10 learning by doing
  - 11 active learning
  - 12 english as a foreign language

فعالیت‌های مبتنی بر وظیفه را در یک چرخه قبل از وظیفه، انجام وظیفه و پس از وظیفه انجام می‌دهند (ئین جاجئون و وون جونگ هان، ۲۰۰۶).

اساس نظری رویکرد مبتنی بر وظیفه در تدریس زبان، نظریه فرهنگی - اجتماعی<sup>۱</sup> ویگوتسکی<sup>۲</sup> (۱۹۷۸؛ به نقل از کومای) است. این نظریه، ایده یادگیری با واسطه را مطرح می‌کند به طوری که یادگیری، نتیجه فعالیت اجتماعی است. مفهوم «منطقه تقریبی رشد»<sup>۳</sup> در این نظریه نشان‌دهنده مرز بین سطح واقعی رشد و یک فرد است. سطح رشد بالقوه از طریق تعامل اجتماعی در انجام یک وظیفه به دست می‌آید. موضوع مرتبط با «منطقه تقریبی رشد»، تکیه‌گاه سازی<sup>۴</sup> است که ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:

- ایجاد علاقه در انجام یک وظیفه
- ساده‌سازی وظیفه
- پیگیری هدف
- نشانه‌گذاری ویژگی‌های مهم و اختلاف بین راه‌حل ایده آل و آنچه ارائه شده است
- کنترل ناامیدی در جریان حل مسئله
- نشان دادن نسخه ایده آل فعالیت، برای انجام دادن آن.

نتایج پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده تأثیر مثبت این رویکرد در آموزش زبان است. زندمقدم (۲۰۰۷) در پژوهشی، تأثیر رویکرد مبتنی بر وظیفه را در بهتر کردن درک مطلب خواندن، میان دانشجویان رشته‌های شنوایی سنجی و فیزیوتراپی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بررسی کرده است. در این پژوهش رویکرد مذکور با روش سنتی (مطالعه متن‌ها، ترجمه آن‌ها و پاسخ به سؤال‌های درک مطلب) مقایسه شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که آموزش درک مطلب خواندن با استفاده از رویکرد مبتنی بر وظیفه تأثیر معنی‌دار بر یادگیرندگان زبان انگلیسی (انگلیسی برای اهداف خاص) داشته است. باقری (۲۰۰۷) در پژوهش خود، تأثیر روش مبتنی بر وظیفه را در مهارت شفاهی یادگیرندگان زبان

1 socio-cultural theory  
2 Vygotsky  
3 zone of proximal development  
4 scaffolding

انگلیسی (انگلیسی به عنوان زبان خارجی) در سطح پیشرفته بررسی می‌کند. نتایج نشان داده است که مهارت‌های شفاهی گروه آزمایش (دقت، سلیس صحبت کردن، ارتباط، رسایی و تعامل) که با استفاده از روش مبتنی بر وظیفه آموزش دیده‌اند، در مقایسه با گروه کنترل، پیشرفت کرده است. کرکگز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی، تأثیر استفاده از روش مبتنی بر وظیفه را در مهارت صحبت کردن بررسی می‌کند. این پژوهش با استفاده از دوره آموزش مبتنی بر وظیفه برای مهارت صحبت کردن است که ترکیبی از آموزش چهره به چهره و ضبط تصویری انجام وظیفه است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که با استفاده از تجربیات یادگیری نوآور، مهارت صحبت کردن در دانشجویان پیشرفت کرده است. به گونه‌ای که آن‌ها قادر به برقراری تعامل معنی‌دار هستند. پژوهش ایرماواتی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در زمینه تأثیر رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه در بهتر کردن مهارت خواندن بوده است. رویکرد مبتنی بر وظیفه در سه دوره ۱۲ ساعته اجرا شده است. در هر دوره از دانشجویان پیش‌آزمون و پس‌آزمون گرفته شده است. نتایج به دست آمده از داده‌ها نشان داده است که نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در طی سه مرحله پیشرفت کرده است.

استفاده از روش مبتنی بر وظیفه در آموزش زبان بر یاد داری اطلاعات و تقویت مهارت خواندن دانشجویان که مهم‌ترین هدف دوره‌های زبان تخصصی است، تأثیر مثبت دارد به علاوه کاربرد این شیوه تدریس در پیشرفت تحصیلی و یادگیری لغت و دستور مؤثر است (رحیمی و آژغ، ۱۳۸۹؛ خواجه نوری، ۲۰۰۹).

با استناد به پژوهش‌های گذشته، استفاده از رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه در درک متون علمی زبان انگلیسی برای یادگیرندگان که این زبان را در دانشگاه به عنوان یک زبان خارجی به کار می‌برند، می‌تواند مؤثر باشد. پژوهش حاضر رویکرد مبتنی بر وظیفه در آموزش درک مطلب خواندن را برای دانشجویان رشته تکنولوژی آموزشی در دانشگاه علامه طباطبائی به کار برده است. با توجه به ماهیت رشته تکنولوژی آموزشی و اینکه مطابق با نتایج تحقیقات بین‌المللی در جنبه‌های مختلف آموزشی، بر موضوعات مرتبط با این رشته

1 K rkgz

2 Irmawati

نیز افزوده می‌شود، بنابراین مطالعه در زمینه رویکردهای آموزش زبان انگلیسی ضروری است تا از این طریق بتوان روش‌های مناسب‌تری را برای تسهیل یادگیری زبان خارجی به‌طور عام و بهبود مهارت‌های چهارگانه به‌طور خاص به‌کاربرد.

## روش

شرکت‌کنندگان شامل ۲۶ نفر از دانشجویان مقطع فوق‌لیسانس در رشته تکنولوژی آموزشی می‌شود که در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بوده‌اند. پژوهشگر از بین دانشجویان دختر فوق‌لیسانس در رشته تکنولوژی آموزشی، دو گروه را به‌طور تصادفی به‌عنوان گروه آزمایشی (۱۳ نفر) و گروه کنترل (۱۳ نفر) در نظر گرفته است. در این پژوهش از طرح شبه آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. در جدول ۱، طرح پژوهشی نشان داده شده است. در این نوع طرح پژوهشی امکان اعمال کنترل کامل و نمونه‌گیری و جایگزینی آزمودنی‌ها در شرایط مختلف آزمایشی وجود دارد. در طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل آزمودنی‌ها به‌طور تصادفی انتخاب و به کمک همین روش در گروه‌های مختلف جایگزین می‌شوند. سپس قبل از اجرای متغیر مستقل، آزمودنی‌های انتخاب شده در هر دو گروه به‌وسیله پیش‌آزمون اندازه‌گیری می‌شوند. نقش پیش‌آزمون در این طرح، اعمال کنترل و مقایسه است و در نتیجه تعیین اینکه تغییر ایجاد شده ناشی از اجرای متغیر آزمایشی بوده است یا عوامل دیگر (دلاور، ۱۳۹۰). جمع‌آوری داده‌های کمی، از طریق آزمون محقق ساخته‌ای است که شامل پیش‌آزمون و پس‌آزمون درک مطلب زبان انگلیسی می‌شود.

جدول ۱. طرح پژوهشی

گروه	پیش‌آزمون	رفتار	پس‌آزمون
آزمایش	T <sub>1</sub>	X <sub>1</sub>	T <sub>2</sub>
کنترل	T <sub>1</sub>	X <sub>2</sub>	T <sub>2</sub>

پیش از اجرای پژوهش، پیش‌آزمونی از هر دو گروه کنترل و آزمایش گرفته شد. در طرح آزمایشی از پیش‌آزمون برای مقایسه و کنترل استفاده می‌شود. اطلاعات لازم از هر

یک از گروه‌های آزمایش و کنترل با تهیه پیش‌آزمون و پس‌آزمون محقق ساخته در زمینه درک مطلب زبان انگلیسی در سطح آموزش عالی جمع‌آوری شد. آزمون‌ها با همکاری متخصص موضوع درسی تهیه شدند. سؤال‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون موازی اما متفاوت و بر اساس اهداف درس تهیه شد. به این صورت که برای هر هدف عملکردی، دو آزمون تهیه شد سپس آزمون‌های فرد برای پیش‌آزمون و آزمون‌های زوج برای پس‌آزمون در نظر گرفته شدند. هر آزمون شامل ۱۰ سؤال تشریحی درک مطلب بوده که از متن درس تهیه شده و بر اساس اهداف تنظیم شدند. با توجه به وزن هر سؤال، نمره‌گذاری از ۱۴ نمره در نظر گرفته شد و برای تحلیل داده‌ها، نمره هر یک از شرکت‌کنندگان با نمره ۲۰ نسبت بندی شد؛ مثلاً اگر یکی از شرکت‌کنندگان از ۱۴ نمره، نمره ۱۱ را به دست آورده باشد، این نمره به نسبت عدد ۲۰ محاسبه می‌شود و نمره ۱۵/۷۱ به دست می‌آید. سپس این عدد با توجه به مقدار بعد از ممیز، به عدد قبل یا بعد گرد می‌شود؛ بنابراین نمره این شرکت‌کننده، ۱۵/۷۵ است و به عنوان نمره آزمون او در نظر گرفته می‌شود. اعتبار آزمون‌ها از نظر سه متخصص موضوعی تأیید شده است و برای پایایی هر آزمون از روش آلفای کرانباخ استفاده شده است. نتیجه پایایی برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۷۲ است که بزرگ‌تر از مقدار ۰/۶۰ بوده و پایا بودن هر آزمون را نشان می‌دهد.

برای اجرای پژوهش، دانشجویان در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. تعداد دانشجویان ۲۶ نفر بوده که ۱۳ نفر از آن‌ها در گروه آزمایش و ۱۳ نفر در گروه کنترل جای گرفتند. برای هر یک از گروه‌های آزمایش و کنترل به ترتیب طرح درس مبتنی بر وظیفه و طرح درس مبتنی بر روش تدریس رایج تهیه و متن آموزشی برای هر گروه بر اساس طرح درس معین در شش جلسه اجرا شد. طرح درس مبتنی بر وظیفه برای کلاس درس زبان انگلیسی طبق اهداف معین و در سه مرحله طراحی و اجرا شد. این طرح درس همچنین بر اساس ارزیابی دانشجویان از طریق پیش‌آزمون تهیه شد. اهداف درس زبان انگلیسی با توجه به تعریف عملی درک مطلب در این کلاس مشخص شد.

تأثیر رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه بر افزایش ...

تعریف عملی درک مطلب: فهم متون زبان انگلیسی از طریق انجام وظیفه یادگیری و با استفاده از راهبردهای درک مطلب، به گونه‌ای که یادگیرنده در پایان دوره می‌تواند مفهوم متون زبان انگلیسی را به زبان خود بیان کند. همان‌طور که در تعریف بالا آمده است، برای فهم متون زبان انگلیسی، از وظیفه یادگیری و راهبردهای درک مطلب استفاده می‌شود. در جدول ۲، اهداف و راهبردهای رسیدن به هر هدف آمده است:

جدول ۲. هدف‌ها و راهبردهای رسیدن به هر هدف

اهداف	راهبردها
۱. تشخیص کلمات کلیدی که به درک ایده اصلی بخش‌هایی از متن کمک می‌کند	- نگاه کلی و مرور اجمالی بر محتوای درس، پیدا کردن کلمات از واژه‌نامه و نوشتن معنی آن‌ها، استفاده از مترادف و متضاد، تکرار کلمه و معنی آن.
۲. تشخیص جملات اصلی متن با توجه به موضوع کلی	- نوشتن کلمه‌های اصلی هر سطر در انتهای آن سطر که مرتبط با موضوع هستند.
۳. توصیف عنوان متن از طریق کلمات کلیدی	- نگاه کلی و مرور اجمالی به جزئیات، نوشتن ایده‌های اصلی هر بخش از متن با استفاده از کلمات و جمله‌های کلیدی، بارش مغزی.
۴. نوشتن مفهوم متن به زبان خود یادگیرنده	- یادداشت‌برداری از قسمت‌های مهم متن، مراجعه به ترجمه کلمات اصلی.
۵. ارائه اطلاعات متن به کمک یادداشت‌هایی که از همه بخش‌ها تهیه شده است	- مرور یادداشت‌های تهیه‌شده از هر بخش.

هدف‌ها بر اساس محتوای آموزشی و تعریف عملیاتی درک مطلب زبان انگلیسی در سطح آموزش عالی نوشته شده‌اند. یادگیرندگان در جریان وظیفه از راهبردهای خواندن برای درک متن استفاده کرده‌اند. آن‌ها برای درک متن، از دانش قبلی خود استفاده کردند و درباره مفهوم متن پیش‌بینی کردند. این یکی از ویژگی‌های الگوی خواندن از بالا به پایین

است که در آن خواننده اطلاعات متن را با ساختار دانش موجود خود متناسب می‌سازد (کارل و ایسترهولد، ۱۹۸۳؛ به نقل از دورکاندرا، ۲۰۱۰). این فرآیند موجب افزایش پیش‌بینی خوانندگان، حدس زدن از زمینه متن و فهمیدن ایده اصلی می‌شود (دورکاندرا، ۲۰۱۰). یکی دیگر از راهبردهای مهم خواندن که در جریان وظیفه انجام شد خلاصه کردن نکات مهم و یادداشت‌برداری بوده است. دمبو (۱۹۹۴؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۶) درباره یادداشت‌برداری مفید می‌گوید به زبان خود یادداشت‌های مختصر بردارید به گونه‌ای که در آن نکات مهم خلاصه شوند و سازمان یابند و برای شما معنی‌دار باشند. منظور از خلاصه کردن، نوشتن عبارات‌های کوتاهی است که معرف اندیشه‌های اصلی موضوع مورد مطالعه باشد (سیف، ۱۳۸۶، ۲۹۰). این روش از آنجا مؤثر است که خلاصه کننده را مجبور می‌سازد تا خلاصه‌ای کوتاه تهیه کند و به‌طور جدی بکوشد تا موضوع‌های مهم را از غیر مهم تشخیص دهد (اسلاوین، ۲۰۰۶؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۶).

مراحل وظیفه به شرح زیر است:

قبل از وظیفه: در این مرحله، معلم از پیش سازمان دهنده استفاده کرده است که به ایجاد طرح‌واره ذهنی یادگیرندگان درباره محتوای درس کمک می‌کند. در پیش سازمان دهنده از نقشه مفهومی و ارائه اطلاعات کلی درباره موضوع متن استفاده شده است.

جریان وظیفه: در این مرحله، دانشجویان با استفاده از راهبردهای از پیش تعیین شده و به کمک معلم، متن درس را در بخش‌های جداگانه خوانده و مطالب هر قسمت را یادداشت کردند.

بعد از وظیفه: با توجه به اینکه اهداف و طرح درس مبتنی بر وظیفه بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از پیش آزمون و در جهت رفع اشکالات درک مطلب یادگیرندگان نوشته شد، پس در این مرحله، یادگیرندگان برای نشان دان فهم متن و درک مطلب، به سؤال‌هایی پاسخ دادند که قبلاً در پاسخ به آن‌ها عملکرد نادرستی داشتند. یادگیرندگان به سؤال‌های درک مطلب در این مرحله پاسخ‌های صحیح دادند.

روش اجرا در گروه کنترل به این صورت بوده است: ۱. ارائه پیش سازمان دهنده و توضیحاتی درباره موضوع متن توسط معلم، ۲. روخوانی متن و پیدا کردن کلمات ناآشنا از

فرهنگ لغت توسط یادگیرندگان، ۳. روخوانی متن با صدای بلند توسط معلم، ۳. خواندن کلمات ناآشنا توسط معلم و تکرار آن‌ها از سوی یادگیرندگان، ۴. خواندن متن توسط یادگیرندگان و درک مطلب متن، ۵. توضیح یادگیرندگان درباره آنچه از متن دریافت کرده‌اند.

## نتایج

فرضیه پژوهش حاضر بیان می‌کند که: استفاده از رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه موجب افزایش درک مطلب یادگیرندگان زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی می‌شود. برای بررسی این فرضیه، ۲۶ نفر از یادگیرندگان زبان انگلیسی که دانشجویان دختر رشته تکنولوژی آموزشی بودند برای نمونه پژوهش انتخاب شدند و از طریق نمونه‌گیری تصادفی، ۱۳ نفر از آن‌ها به‌عنوان گروه کنترل و ۱۳ نفر به‌عنوان گروه آزمایش انتخاب شدند. از هر دو گروه پیش‌آزمون گرفته شد. سپس یکی از گروه‌ها با روش مبتنی بر وظیفه و دیگری به روش خواندن و ترجمه آموزش دیدند. در جدول ۳ اطلاعات آماری توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کمترین مقدار و بیشترین مقدار برای هر گروه گزارش شده است:

جدول ۳. میانگین، انحراف استاندارد، کمترین مقدار و بیشترین مقدار گروه آزمایش و کنترل

اندازه‌گیری	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
پیش‌آزمون	آزمایش	۱۳	۱۳/۵۳	۳/۷۳	۱۰/۶۷	۱۶/۸۴
	کنترل	۱۳	۱۴/۱۷	۳/۵۳	۷/۱۴	۱۷/۸۵
پس‌آزمون	آزمایش	۱۳	۱۶/۴۲	۲/۴۶	۴/۶۴	۲۰
	کنترل	۱۳	۱۴/۵۰	۳/۸۷	۱۲/۱۴	۱۸/۵۸

با توجه به جدول ۳ میانگین نمره‌های پیش‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل به ترتیب برابر با ۱۳/۵۳ و ۱۴/۱۷ و انحراف استاندارد به‌دست آمده از پیش‌آزمون هر گروه به ترتیب برابر با ۳/۷۳ و ۳/۵۳ است. همچنین میانگین نمره‌های پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل به ترتیب برابر با ۱۶/۴۲ و ۱۴/۵۰ و انحراف استاندارد به‌دست آمده از پس‌آزمون دو گروه به ترتیب برابر با ۲/۴۶ و ۳/۸۳ است؛ بنابراین بین میانگین نمره‌های پس‌آزمون در گروه آزمایش

که با روش مبتنی بر وظیفه آموزش دیده‌اند و میانگین نمره‌های پس‌آزمون در گروه کنترل که با روش خواندن و ترجمه آموزش دیده‌اند، تفاوت وجود دارد.

پیش از مقایسه نمرات پس‌آزمون دو گروه، برای اطمینان از عدم وجود تفاوت معنادار بین دو گروه نمونه، در ابتدای امر از آزمون  $t$  گروه‌های مستقل استفاده شده است. مقدار آماره  $t$  به‌دست آمده از تفاوت دو گروه در پیش‌آزمون  $0/585$  بوده است که کوچک‌تر از مقدار بحرانی در جدول است. مقدار بحرانی با درجه آزادی  $24$  و در سطح خطای کمتر از  $0/05$  برابر با  $2/32$  است؛ بنابراین بین میانگین دو گروه تفاوت معنادار وجود ندارد پس دو گروه در شرایط یکسان قرار گرفته‌اند.

برای اطمینان از معنی‌دار بودن تفاوت بین میانگین‌های پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل از آزمون  $t$  استفاده شد. به این صورت که نمرات پیش‌آزمون از نمرات پس‌آزمون کم شده و دو گروه با استفاده از آزمون  $t$  اختلافی با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون  $t$  اختلافی برای بررسی نمرات دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	آماره $t$	Df	سطح معنی‌داری
نمرات آزمون زبان	۲/۱۳۵	۱۸/۱۱۳	۰/۰۴۷

با توجه به جدول ۴ آماره  $t$  به‌دست آمده از تفاوت دو گروه در نمرات زبان با درجه آزادی  $18/113$  برابر با  $2/135$  است که در سطح  $0/047$  معنادار است، از آنجایی که مقدار آماره  $t$  به‌دست آمده بزرگ‌تر از مقدار بحرانی با درجه آزادی  $18/113$  و احتمال خطای کمتر از  $0/05$  با فرض یک دامنه برابر با  $1/734$  است، بنابراین بین میانگین متغیر آموزش زبان در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه فرضیه این پژوهش مبنی بر اینکه روش مبتنی بر وظیفه در آموزش زبان انگلیسی، منجر به افزایش درک مطلب یادگیرندگان این زبان می‌شود، تأیید می‌شود.

نتایج این مطالعه نشان داد که استفاده از روش مبتنی بر وظیفه، تأثیر مثبت بر مهارت درک مطلب یادگیرندگان این زبان دارد از آنجایی که در کلاس درس مبتنی بر وظیفه، دانشجویان به‌جای دریافت اطلاعات از سوی معلم، در تکاپوی انجام وظایف یادگیری متوالی بودند.

این مطلب را نیونان (۲۰۰۴) این گونه مطرح می کند که: «رشد فکری زمانی اتفاق می افتد که یادگیرندگان مشغول انجام وظیفه های متوالی باشند؛ بنابراین، مشغولیت یادگیرنده مرکز توجه این رویکرد است. این نقطه مقابل رویکرد انتقالی در آموزش و پرورش است که در آن یادگیرنده به صورت منفعل دانش را از سوی معلم کسب می کند». همچنین عملکرد دانشجویان پس از پایان دوره نشان داد که آن ها به فهم متن دست یافته اند در حالی که قبل از گذراندن فعالیت های مبتنی بر وظیفه، متمرکز بر ترجمه صرف متن بودند. این عملکرد مربوط به فعال شدن دانش پیشین می شود. کارل (۱۹۸۳)، به نقل از رحیم پور) بیان می کند که «اگر دانش آموزان دانش پیشین کافی نداشته باشند، به آن ها باید دانش مختصری به عنوان پیش زمینه داده شود که با آن متن را تفسیر کنند». فهم یک متن وابسته به این است که هنگام خواندن، ما تا چه اندازه طرح واره مربوط را داریم؛ بنابراین خواننده، معنی را بر اساس تعامل بین دانش پیشین و متن ایجاد می کنند. نظریه طرح واره پیشنهاد می کند که وقتی افراد به کسب دانش می پردازند، تلاش می کنند که آن دانش را با ساختار دانش ذهنی شان متناسب کنند تا آن را بفهمند (آجیده، ۲۰۰۶).

نتایج پژوهش حاضر با سایر پژوهش ها در زمینه تأثیر رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه در افزایش مهارت درک مطلب یادگیرندگان این زبان همسو است. از جمله پژوهش رحیمی و آژغ (۱۳۸۹)، خواجه نوری (۲۰۰۹)، زندمقدم (۲۰۰۷) و باقری (۲۰۰۷).

#### بحث

فرضیه این پژوهش بیان می کند که استفاده از رویکرد یادگیری مبتنی بر وظیفه موجب افزایش درک مطلب یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی می شود. تحلیل داده های این پژوهش نشان داد که نمره های زبان در گروه آزمایش که با روش مبتنی بر وظیفه آموزش دیده اند در مقایسه با نمره های زبان در گروه کنترل که به روش رایج خواندن و ترجمه آموزش دیده اند، بیشتر است؛ بنابراین فرضیه این پژوهش تأیید می شود.

در کلاس درس مبتنی بر انجام وظیفه، فعالیت هایی توسط دانشجویان و معلم در هر یک از مراحل وظیفه انجام شد. معلم در مرحله قبل از وظیفه، از پیش سازمان دهنده برای بسط

ساخت شناختی دانشجویان در ارتباط با موضوع درس استفاده کرد. دلیل استفاده از پیش سازمان دهنده برای ایجاد ارتباط بین دانش پیشین دانشجویان و دانش موجود بوده است. فعال سازی دانش پیشین قسمت اعظم فرآیند درک مطلب را تشکیل می دهد، بنابراین نقش معلم در این مرحله بسیار اهمیت دارد. در مرحله جریان وظیفه، متن درس بر اساس موضوعات مطرح شده، به بخش های مجزا تقسیم شد که در هر بخش دانشجویان فعالیت هایی انجام دادند. از جمله: نگاه کلی و مرور اجمالی بر محتوای درس، پیدا کردن کلمات از واژه نامه و نوشتن معنی آن ها، نوشتن کلمه های اصلی هر سطر در انتهای آن سطر که مرتبط با موضوع هستند، نوشتن ایده های اصلی هر بخش از متن با استفاده از کلمات و جمله های کلیدی، یادداشت برداری از قسمت های مهم متن، مرور یادداشت های تهیه شده از هر بخش. در این مرحله و در هر قسمت از خواندن متن، سؤال هایی از دانشجویان پرسیده شد. سپس دانشجویان بر اساس فعالیت های مذکور پاسخ می دادند. پاسخ ها در مقایسه با عملکرد اولیه دانشجویان در پیش آزمون، نشان دهنده فهم محتوای متن از سوی آنان بود. سرانجام در مرحله آخر یعنی مرحله بعد از وظیفه دانشجویان برای گزارش اطلاعات به دست آمده از متن، به سؤال هایی پاسخ دادند که قبلاً در پیش آزمون که از همان محتوا تهیه شده بود، عملکرد مطلوبی نشان نداده بودند؛ اما پس از فعالیت در مرحله جریان وظیفه، یادگیرندگان به سؤال های درک مطلب در این مرحله پاسخ های صحیح دادند.

برای تحلیل داده های حاصل از پژوهش، از آزمون t اختلافی استفاده شده است به این منظور، ابتدا در هر گروه نمره های پیش آزمون از نمره های پس آزمون کم شده و دو گروه از طریق سطح اختلاف نمره های پیش آزمون و پس آزمون با یکدیگر مقایسه شدند. تحلیل داده ها نشان داد که نمره های زبان در گروه آزمایش که با روش مبتنی بر وظیفه آموزش دیده اند در مقایسه با نمره های زبان در گروه کنترل که به روش رایج خواندن و ترجمه آموزش دیده اند، بیشتر است. با توجه به نتایج آزمون t اختلافی، تفاوت بین نمره های دو گروه آزمایش و کنترل معنی دار است در نتیجه فرضیه این پژوهش مبنی بر اینکه روش مبتنی بر وظیفه در آموزش زبان انگلیسی، منجر به افزایش درک مطلب یادگیرندگان این زبان می شود، تأیید می شود.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها در این پژوهش عدم دسترسی به نمونه کافی برای استفاده از جنسیت به عنوان متغیر تعدیل‌کننده بوده است. برای اجرای پژوهش نیاز به تشکیل کلاس‌های مختلط بوده تا از این طریق بتوان عامل جنسیت را کنترل کرد. از آنجایی که کلاس‌های دانشجویان با برنامه قبلی از سوی دانشگاه مذکور به صورت جداگانه برگزار می‌شدند، بنابراین تلاش پژوهشگر برای تشکیل کلاس‌های مختلط بی نتیجه ماند.

تحقیقات ایرانی در زمینه رویکرد مبتنی بر وظیفه در آموزش زبان بسیار کم است، از آنجایی که انجام پژوهش‌ها در هر زمینه‌ای منجر به معرفی دانش یا کارکردهایی از دانش در آن زمینه می‌شود، بنابراین انتظار تطبیق دانش جدید با شرایط فرهنگی یک جامعه وجود دارد. در واقع کاربرد دانش جدید موجب به دست آوردن بازخوردهایی می‌شود که در بهتر شدن شرایط آموزش و یادگیری مؤثر هستند. در این مورد عدم استفاده از روش‌های جدید در آموزش زبان، باعث فراهم نشدن محیط متناسب با شرایط آموزش و یادگیری در ایران شده است.

در ایران روش مبتنی بر وظیفه برای آموزش زبان یک شیوه جدید است. به طور کلی ایجاد سازگاری‌های لازم با روش‌های آموزشی جدید، ضروری است. در این پژوهش نیز یکی دیگر از محدودیت‌ها، آشنا نبودن دانشجویان با این روش و ایجاد شرایط لازم برای استفاده از آن بوده است.

بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهادهای کاربردی با رعایت اصول کلی زیر مطرح می‌شود:

- با در نظر گرفتن میزان دانش یادگیرندگان نسبت به موضوع درسی، می‌توان زمینه یادگیری آن موضوع را فراهم کرد. این زمینه همان پیش سازمان دهنده است. پیش سازمان دهنده همراه با دانش موجود در یادگیرندگان، به قدرت پیش‌بینی آن‌ها درباره متن کمک می‌کند.

- تعریف وظیفه باعث یادگیری ماندگارتر می‌شود؛ بنابراین باید هر موضوع یادگیری را به وظیفه‌هایی کوچک‌تر تبدیل کرد. این وظیفه‌های کوچک‌تر هر کدام نتایجی دارند که در پایان به یادگیری نهایی منجر می‌شود. همچنین تهیه هدف برای رسیدن به

یادگیری نهایی بسیار اهمیت دارد. هدف‌ها بر اساس اینکه یادگیرنده در نهایت، چه چیزی به دست می‌آورد، نوشته می‌شوند.

- تعریف وظیفه یادگیری باید به گونه‌ای باشد که یادگیری موضوع را آسان سازد. برای این منظور، ابتدا باید محتوای مناسبی برای یادگیری محتوایی که متناسب با سطح درک یادگیرندگان است، در نظر گرفت تا وظایف یادگیری نیز به درستی تنظیم شوند. سپس وظایف باید از ساده به پیچیده تنظیم و تهیه شوند. این مطلب باعث حفظ انگیزه یادگیرندگان در طول یادگیری می‌شود. در پایان، ارزیابی یادگیرندگان طبق اهداف از پیش تعیین شده می‌تواند نشان‌دهنده میزان یادگیری افراد بر اساس وظایف یادگیری باشد.

نتایج پژوهش حاضر، نکات زیر را برای آموزگاران در دانشگاه‌ها یادآوری می‌کند: برای اینکه دانشجویان بتوانند در پژوهش‌های خود، عملکرد علمی صحیحی داشته باشند که مطابق با استانداردهای علمی در پژوهش‌های معتبر دنیا باشد، نیاز به خواندن و درک مطلب متون زبان انگلیسی دارند. از این رو نیاز به روش تدریسی فراتر از روش‌های متداول در خواندن و درک مطلب زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها است. یکی از روش‌های اخیر، روش مبتنی بر وظیفه است. ممکن است این روش زمان‌بر به نظر برسد. برای پاسخ به این مطلب این نکته بیان می‌شود: اگر این روش به درستی به کار رود، حتی در زمان کوتاه، مهم‌ترین نتیجه آن این است که روند صحیح و سریع‌تری را برای درک مطلب متون فراهم می‌کند.

#### منابع

- رحیمی، مهرک؛ آژغ، حوریه. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش تکلیف محور بر مهارت خواندن و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مهندسی در درس زبان تخصصی. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش (صص. ۱۳۵-۱۴۳).
- سیف علی، اکبر. (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش (ویرایش ششم). تهران: دوران.

مراد صحرائی، رضا؛ میدانی، فاطمه (۱۳۹۰). برنامه درسی تکلیف محور؛ رویکردی نوین برای تقویت فارسی آموزی. فصلنامه زبان و ادب پارسی (صص. ۱۶۲-۱۸۰). دلاور، علی. (۱۳۹۰). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: ویرایش.

- Ajideh, P. (2006). Schema<sup>o</sup> theory Based Considerations on Pre-reading Activities in ESP Textbooks. *The Asian EFL Journal, Teaching Articles*, Vol 16 (pp. 1-19).
- Bagheri Nevisi, R. (2007). *The effect of implementing a task based methodology on EFL learner's oral proficiency level*. (A Thesis submitted in partial fulfillment of requirements for master of arts M.A in Teaching English as a foreign languages). Allame Tabatabaee University, Tehran.
- Dorkchandra, D. (2010). *Enhancing english reading comprehension through a text structure reading strategy call program*. (A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in English Language Studies). Suranaree University of Technology Academic.
- Khajehnoori, M. (2009). *The effect of task based content based and competency based language teaching on the Iranian ESP learners reading comprehension*. (This is submitted to the department of English language in partial fulfillment the requirements for the degree of Master of Arts in TEFL). Allame Tabatabaee University, Tehran.
- Nunan, D. (2004). *Task-Based Language Teaching*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Zand Moghaddam, A. (2007). *The effect of task based approach on the Iranian ESP learners reading comprehension improvement*. (Is submitted as partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts M.A in Teaching English as a foreign language TEFL). Allame Tabatabaee University, Tehran.